کتابخانه حسینی

۱۸ روایت از روضه‌هایی که زندگی می‌کنیم

در کتاب «رهیده» ۱۸ روایت از زنده ماندن آیین محرم و شرح تنیده شدن اتفاق سال ۶۱ هجری در تار و پود زندگی امروز را خواهید خواند.

به گزارش ایکنا، یک بخش از برداشت و دریافت ما از محرم، عاشورا و امام حسین(ع) مربوط به مراسم و مجالسی است که امروز و به فاصله چند قرن از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری در کوچه و خیابان و شهرها جاری است.

گاه روایت‌هایی از دل مجالس روضه بیرون می‌آید که به دلیل امرونی و قابل لمس بودن برای مخاطب، مبدأ و مأمن پذیرتری برای فهم واقعه عاشورا و قیام امام حسین(ع) و یاران باوفای ایشان است. کتاب «رهیده» چهارمین جلد از مجموعه کتاب‌های «کاشوب» است که نشر اطراف در این مجموعه به سراغ همین روایت‌ها رفته و برداشت برخی از اهالی قلم و فرهنگ از محرم و عاشورای امام حسین(ع) را در روایت‌های کوتاه، روان و گیرا گرد آوری کرده است. «رهیده» ۱۸ روایت از زنده ماندن آیین محرم و شرح تنیده شدن اتفاق سال ۶۱ هجری در تار و پود زندگی امروز را مقابل دید مخاطب قرار می‌دهد.

نویسندگان در این کتاب از تجربه‌هایی نوشته‌اند که در دل سنت عزا در همین کوچه‌ها و تکیه‌ها شکل گرفته و دریافت و برداشتی تازه با خود آورده است. تفاوت سبک زندگی و دغدغه‌های نویسندگان سبب شده هر کدام از زاویه‌ای به این ماجراجوانه کنند و هر روایت طعم و لحن اقلیم یا فکری را داشته باشد که نویسنده در آن رشد یافته است.

«رهیده» همچون دیگر کتاب‌های مجموعه «کاشوب»، روایت‌هایی مستند از حضور عاشورا در متن زندگی انسان امروز ایرانی و نحوه مواجهه ایرانیان امروز با این واقعه و درک و حس آن‌ها از آن است و مخاطب طی خواندن ۱۸ روایت این کتاب، پاره‌پای نویسندگانی با تجربه‌ها و علاقه‌ها و سلیقه‌ها و خصلت‌های گوناگون در مراسم عزاداری محرم شرکت کرده و آن مراسم‌ها را از دیدگاه چندین نویسنده دیده و درک می‌کند.

محرم و مجلس عزاداری و روضه‌خوانی برای واقعه عاشورا سنتی دیرپا در جامعه ایرانی است که بخشی از خاطرات نسل‌های مختلف را تشکیل می‌دهد و جزئی از حافظه جمعی ایرانیان امروز است. رویان ۱۸ روایت از «رهیده» دست روی همین نقطه از فرهنگ ایرانی گذاشته و بخشی مهم از فرهنگ و سنت دینی و آیینی ایرانیان مسلمان شیعه و چگونگی تداوم این فرهنگ و سنت در روزگار معاصر را به تصویر کشیده‌اند و با نگارش روایت‌های شخصی خود از محرم و مراسم مربوط به آن، گوشه‌هایی از این حافظه جمعی را رویه‌روی مخاطب قرار داده‌اند. در هر یک از روایت‌های کتاب «رهیده» گوشه و وجهی از تجربه درونی شده حضور در مراسم عزاداری محرم بر مخاطب آشکار می‌شود و خواننده با خواندن هر روایت از این کتاب گویی حضوری متفاوت در عزاداری‌های محرم را تجربه می‌کند. اما آنچه در همه این حضورها مرکزیت دارد واقعه عاشوراست که روایت‌ها بر محور آن پدید آمده‌اند و گویی هر راوی می‌کوشد به نحوی به این واقعه نزدیک شود و حسی را که از آن گرفته به مخاطب منتقل کند. «رهیده» با زبرعنوان «هجده روایت از روضه‌هایی که زندگی می‌کنیم» توسط گروهی از نویسندگان با نگارش درآمده و توسط نشر اطراف منتشر شده است.

نکته ها

آیت‌الله مظاهری

به بچه‌ها بفهمانید ما حسین(ع) داریم

تقاضایی که از همه شما دارم، واجب است و از اوجب واجبات است که این توسل‌ها را به نسل آینده بدهید. به بچه‌ها بفهمانید ما حسین داریم و دین بی‌بست‌ها امام حسین(ع) به فریاد می‌رسد. ما آقا امام زمان را داریم و هر گره کوری را امام زمان(عج) خوب می‌تواند باز کند. قرآن به ما گفته توسل داشته باش. کارهایت را روی جریان عادی انجام بده اما توسل داشته باش. اگر به راستی توسل قوی شود، این دردهای بی‌درمان مانند ضعف عصب، افسردگی، پیری زودرس، سرطان‌ها و دیوانگی رفع می‌شود. شاید پیر مردهایی در جلسه ما باشند که بدانند این افسردگی‌ها و ضعف عصب‌ها تازه پیدا شده است. توسل نسل گذشته ما خیلی بالاتر بود و از آن نتیجه می‌گرفتند. مرحوم آقای دستغیب «رضوان الله تعالی علیه» در یکی از کتاب‌هایش از یکی از رفقایش نقل می‌کند: در شیراز حصبه آمده بود و غالب خانه‌ها حصبه گرفته بودند. در آن زمان حصبه می‌کشت و کم پیدا می‌شد خوب شود. گفته بود زنم با سه تا بچه‌هایم حصبه گرفتند. همسایه ما روضه داشت. روزی در اول اذان صبح که حال این زن و بچه‌ها خیلی بد بود، به روضه رفتم. در روضه توسل به حضرت زهرا(س) پیدا کردم. زهرا جان! تو به فریادم برس. عزای حسینت است و من از تو می‌خواهم. می‌گوید به خانه آمدم و دیدم زن و بچه‌ام که در کما بودند، سر سفره نشسته‌اند و صبحانه می‌خورند. گفتم چه شد. گفت: حضرت زهرا(س) آمد و چون دهه محرم بود، سیاه‌پوش بود. با امام حسین(ع) آمد: سیاه‌پوش بودند و پنج تن آل عبا آمدند و نشستند. حضرت زهرا دست روی سر خانم کشید و خانم از کما بیرون آمد و خوب شد. جوان‌ها! می‌خواهند این توسل‌ها را از ما بگیرند. خیلی مواظب باشید. این توسل‌ها به ائمه طاهرین در این مجالس و در مجالس عزا، خیلی کار می‌کند. یک با حسین ممکن است سر نوشت انسان را عوض کند. یک توسل به امام زمان، حتی اگر ایمانت نداشته باشد امام زمان(عج) را ببیند.

بدانید آنان که در زمان غیبت حجت خدا در دین خود ثابت مانده و به خاطر طول مدت غیبت منکرش نشوند، روز قیامت با من هم درجه خواهند بود.

دیدگاه

ابراهیم فیاض در برنامه سوره مطرح کرد

مردم شام فکر می‌کردند بنی‌امیه فرزندان پیامبر هستند

ابراهیم فیاض گفت: سرزمین شام اوج بدعت‌ها بود و معاویه در خطبه‌های نماز جمعه هم اسم پیامبر(ص) را نمی آورد، چرا که خود را خلیفه‌الله می‌دانست. زمانی که اسیران اهل بیت(ع) به این شهر آمدند، مردم می‌گفتند فکر می‌کردیم فقط بنی‌امیه هستند.

به گزارش خبرگزاری فارس، ابراهیم فیاض میهمان ویژه‌برنامه شب تاسوعای برنامه سوره، فصل کوفه بود. وی در ابتدای برنامه با اشاره به سخنرانی دکتر شریعتی علیه علَم، آن را اشتباهی خواند که سبب شد تا ۱۰۰ سال پس از انقلاب این سنت مغفول بماند، گفت: علَم برخلاف گفته دکتر شریعتی اصلاً به معنای صلیب نیست و تیغ‌های آن، سرو و علَم استعاره از باغ شهادت است.

فیاض با بیان اینکه مردم‌شناسی به صورت جامع به رویدادها نگاه می‌کند، تأکید کرد: مردم‌شناسی این پرسش‌ها را مطرح می‌کند که چه شد بنی‌امیه بر سر کار آمد و چند سال پس از رحلت پیامبر(ص) پسران ابوسفیان حاکم شدند. این را مطرح می‌کند که عظمت عاشورا از جمله مباحث بزرگی است که نمایش‌نامه‌نویسان بزرگ باید درباره آن بنویسند. فیلم و انیمیشن باید در مورد عاشورا ساخته شود و البته پیش از این باید عظمت عاشورا را بفهمیم.

■ جایگاه امت و امامت

وی ام‌القری را اصلی اساسی از سوی پیامبر(ص) دانسته و یادآور شد: امامت به اعتبار پیامبر به اعتبار، گفت: مبنا ام‌القری است و به رسول‌الله نسبت داده می‌شود به همین خاطر می‌گویم مدینه‌النبی. جوهر امت، امام است و امام است که امت را می‌سازد، نه این ساختار، پیامبر در عید غدیر امام را معرفی می‌کند تا تمدن و مدنیت امتداد داشته باشد.

به جای غدیر و امامت به فرهنگ قبیلگی بازگشتند و به جای امام، خلیفه انتخاب کردند. مقیاس امام، حضرت ابراهیم(ع) است که تمدن‌ساز است و با برگشت این حرکت به عقب و بازگشت سران، مردم هم به عقب بازگشتند.

■ جنگ بین امامت و خلافت

فیاض واقعه کربلا را جنگ بین امامت و خلافت معرفی و بیان کرد: مدینه به شهر اشراف تبدیل و فاصله طبقاتی زیاد شد. کوفه و بصره هم به خاطر این ساخته شد که ایرانیان و غیرعرب‌ها به سمت مدینه نروند و این همان پان عربیسم قبیلگی است و بحران‌های مختلفی هم ایجاد کرد که حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه به آن اشاره کرد. خلافت شکل تقلیل یافته امامت است و وقتی بعد معنویت و غیب از امامت گرفته می‌شود، تبدیل به خلافت می‌شود. ولایتی که پیامبر در غدیر می‌گوید نوعی معنا درون خود دارد که در خلافت نیست. امامت واجد شفقت است و برخی ماجراهای صدراسلام سبب شد بسیاری امام زمان خود را نشناسند.

این استاد دانشگاه روایتی از امام حسین(ع) نقل کرد که ایشان به فرزند خلیفه دوم می‌گوید اگر پدرت بود طردرد ما بود و در ادامه تأکید کرد: بنی‌امیه شروع به کاخ ساختن در کوفه و خلافت را به سلطنت تبدیل کردند.

■ بدعت‌هایی که معاویه گذاشت

فیاض مهم‌ترین اصل فساد در شام را ربا خوانده و گفت: معاویه این اصل را در شام حلال کرد و در عین حال بدعت‌های دیگری را هم بنا نهاد و حدود مختلف را هم تعطیل کرد. شام اوج بدعت‌ها در آن زمان بود و معاویه در خطبه‌های نماز جمعه هم اسم پیامبر را نمی آورد چرا که خود را به جای خلیفه‌الرسول، خلیفه‌الله می‌دانست. زمانی که اسرای اهل بیت به شام آمدند، مردم شام می‌گفتند فکر می‌کردیم فقط بنی‌امیه فرزندان پیامبر هستند.

وی به مسئله فاصله طبقاتی در شام و عراق و مصر و کوفه اشاره کرده و افزود: معاویه از سال ۴۰ تا ۶۰ شروع به نوسازی و بازسازی اقتصادی نموده و جیب اشراف را پُر کرد و در عین حال فاصله طبقاتی فقرا و اشراف روز به روز بیشتر می‌شد.

این فاصله در کوفه به‌شدت زیاد بود و روی لشکری که جلو امام حسین(ع) ایستادند هم تأثیر گذاشت. این لشکر از سه دسته تشکیل می‌شد که یک جزء آن رهبری لشکر بود که همان اشراف بودند. بدنه لشکر هم متعلق به خوارج بود و بقیه هم اعرابی بودند که برای غارت آمده بودند و نتیجه همین نظام فاصله طبقاتی بودند.

محسن فاطمی‌نژاد

قدس در گفت‌وگو با میثم مهدیار نقش و اهمیت مناسک محرم را در تقویت هویت محله‌ای بررسی می‌کند

ماهیتِ هویت‌سازِ هیئت

عکس: فاطمه عالی - خبرنگار ما

میثم مهدیار در فرسنه‌ای که در صفحه مجازی‌اش با عنوان «کوچک زیباست» باید به هیئت محلات بازگردیم» در نسبت مناسک محرم و هیئت‌های خانگی در تقویت هویت محله‌ای و اهمیت تقویت این هویت در زندگی شهری سخن گفته بود. این یادداشت کوتاه، بهانه گفت‌وگوی ما در تبیین همین مقوله شد. دکتر میثم مهدیار جامعه‌شناس و پژوهشگر این حوزه در این گفت‌وگو تأکید دارد با توسعه کلانشهرها برای مهار آسیب‌های آن، چاره‌ای جز تقویت هویت محله‌ای نداریم و هیئت محلات یکی از بهترین ظرفیت‌ها برای تقویت پیوندهای اجتماعی و این هویت در راستای کاهش این آسیب‌ها به حساب می‌آید. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ به عنوان مقدمه شاید بد نباشد درباره اهمیت مسئله «باریگری» و ضرورت تقویت این فرهنگ صحبت کنیم. چرا ما به چنین مفهومی و سازوکارهای تقویت آن در نهادها و سازوکارهای اجتماعی به‌خصوص در فضای شهری نیاز داریم؟

هرچه قلمرو زندگی شهری و کلانشهری توسعه پیدا می‌کند، مسئله بیگانگی انسان‌ها و شهروندان از همدیگر بیشتر می‌شود، به تعبیری بیشتر نمودار می‌شود. درواقع هر چقدر به سمت کلانشهر شدن می‌رویم، غریبگی شهروندان از هم و انفراد و انزوا و اتمیزه شدن شهروندان بیشتر می‌شود. پس اساساً مفهوم شهر گویا با انفراد گره خورده است و هرچه شهر توسعه می‌یابد، این انفراد و تنهایی در شهر بیشتر می‌شود. طبیعی است این انفراد و تنهایی در شهر آسیب‌زاست چرا که اساساً انسان موجودی ارتباطی و نیازمند ارتباط است؛ چه از نظر اقتصادی، چه از نظر اجتماعی و چه از نظر روانی و در همه این حوزه‌ها، نبود ارتباط، آسیب‌ها و مشکلاتی را برای فرد ایجاد می‌کند. کسانی که در شهر و یک محله غریبه‌تر هستند، به نسبت کسانی که با همسایگان و آشنایان ارتباط دارند، امکان اینکه دچار آسیب‌های اجتماعی شوند برایشان بیشتر وجود دارد. پس مشارکت در ایجاد پیوندهای اجتماعی با مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی در شهر ضرورت دارد.

■ حالا به خط و ربط مناسک محرم در تقویت این مسئله می‌رسیم. چرا اساساً باید تقویت هویت محلات برای ما اهمیت داشته باشد و چه جنس مناسکی را می‌توانیم در این زمینه به‌کار گیریم؟

با توجه به پاسخی که در پرسش پیشین مطرح شد، هیئت به عنوان یکی از سازه‌های مشارکت فرهنگی که البته برخی اوقات فراتر می‌رود و مشارکت اجتماعی و حتی اقتصادی هم ایجاد می‌کند، می‌تواند حضور با ثبات و پایدار فرد در شهر را تقویت کند.

در شهر آتمیزه، یا انسان‌ها به مثابه یک توده انسانی روبه‌رو هستیم ولی در شهری که پیوندهای اجتماعی محکمی دارد این توده پیدا می‌کند.

هیئت نیز در این میان یک ساخت مشارکتی است که فعالیتش در ایام محرم به اوج می‌رسد. گروه‌های مختلفی در آن ایجاد و از آن توده‌وارگی خارج می‌شود. پس در اینجا این پیوند یافتن انسان‌ها و شهروندان در شهر ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند.

محرم کمک زیادی به انسجام اجتماعی می‌کند و اصلاً یکی از مهم‌ترین کارکردهای مناسک مذهبی، همین انسجام‌بخشی و یکپارچه کردن بده‌بستان‌های اجتماعی و فرهنگی است. یکی از کارکردهای هیئت در واقع در همین راستاست.

باید به هیئت محلات بازگردیم

اگرچه جامعه‌شناسان کارکردهای مناسک مذهبی و دینی را معمولاً در قالب انسجام و نظم و ثبات اجتماعی جست‌وجو می‌کنند اما برخلاف بسیاری از مناسک ادیان ومذاهب، ویژگی مناسک عاشورایی این بوده که علاوه بر وجه ثبات و انسجام‌بخشی اجتماعی، به دلیل برجسته کردن مفاهیمی چون عدالت، شجاعت و ظلم‌ستیزی کارکردی انقلابی و تحول‌گرایانه نیز دارا است. اگر تاریخ چندصدساله ایران را نگاه کنیم یاد عاشورا در شکل‌گیری قیام‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌های بزرگ معاصر ایران نقش مستقیمی داشته است. بسیج مردمی که عامل اصلی شتاب انقلاب اسلامی شد مرهون مراسم‌های چله شهدا در حسینیه‌ها و تکایای شهرهای قم‌وزد و تبریز بود و شبکه محله‌ای مساجد و هیئت‌ها نقش اساسی در بسیج نیرو و تولید روحیه حماسی در دفاع مقدس هشت ساله داشتند. بخش عمده‌ای از سیاه‌کوبی‌ها، مجالس عزاداری و آیین‌های عاشورایی روابط محلی، تخریب حافظه تاریخی محلات و طرد اجتماعی فرودستان به حاشیه‌ها از پیامدهای اصلی محله‌زدایی در توسعه کلانشهری بوده است.

صدا و سیما و برخی نهادهای فرهنگی اصرار دارند برخی مداحی‌ها یا حسینیه و هیئت‌های شلوغ را برجسته کنند و با این بازنمایی‌ها دوباره جمعیت‌ها را از محلات به سمت آن‌ها می‌کشانند. گویا عظمت حسینی را در گردآوری و بازنمایی جمعیت‌های بزرگ جست‌وجو می‌کنند. اما هیئت فلان مداح و بهمان دانشگاه‌تهی از هویت محله‌ای و کارکرد اجتماعی‌اند و مخاطبانی که از محلات گوناگون به آن‌ها سرازیر می‌شوند دوباره به محله زندگی خود برمی‌گردند و مهم‌ترین فرصت پیوند اجتماعی با محله‌شان را از دست می‌دهند. حتی اگر علقه مذهبی نداریم باید نقش آیین‌های مذهبر در حفظ محلات، رایاس بدانیم و اگر هیئتی هستیم به هیئت‌های محلات بازگردیم.

■ **فکر ضرورت و کارکرد هیئت در تقویت مفهوم باریگری در کلانشهرها به نظر بسیار نیاز به تبیین دارد. چطور باید اهمیت این‌ها را برای مردم و مسئولان جا بیندازیم؟**

بنده در آن یادداشتم اشاره کردم هیئت‌ها در محلات یک کارکرد انسجام‌بخش و هویت‌بخش دارند و ارتباط ایجاد نموده و هویت محله‌ای را تقویت می‌کنند و این هویت محله‌ای مانع حذف شدن افراد در آن جریان سیال پرشتاب زندگی شهری می‌شود. اگر بخواهم مثالی بزنم، جریان زندگی کلانشهری را مثل یک رودخانه می‌دانم و خانواده را به مثابه یک مزرعه. می‌دانید اگر آبی از رودخانه پرشتاب به مزرعه سرازیر کنید، مزرعه آسیب می‌بیند چون شتاب رودخانه زیاد است و سبب می‌شود گل و لای را بروبد و ریشه گیاهان و درختانی که در ابتدای مسیر آب هستند را از بین ببرد، به همین خاطر معمولاً وادی‌ها و کانال‌های آبی بین رودخانه‌های خروشان و زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها ایجاد می‌کنند تا کمی شتاب و قدرت آب گرفته و تا حدزیادی ساکن شده و بعد وارد زمین شود تا آسیب نزند. من محله را یک فضای میانجبی دربرابر آن جریان سیال پرشتاب زندگی شهری و کلانشهری با خانواده می‌بینم. خب روابط خانوادگی از یک سکون برخوردارند و یک پایداری دارند منتها جریان کلانشهری خیلی شتاب دارد و در طول روز با حجم زیادی از ارتباط با دیگر افراد مواجه می‌شویم و نمی‌توانیم همه این ارتباط‌ها را هضم کنیم. ما روزانه در مسیر رفت و آمدمان در تاکسی، اتوبوس، مترو و جاهای مختلفی که حضور دارند با کنیم هزاران نفر را می‌بینیم ولی دیدن ما موجب ایجاد یک ارتباط مستحکم نمی‌شود و همین‌طور گذرا و سطحی سبب ایجاد تلنگری می‌شود؛ درمجموع این تلنگرها اگر جایی برای آرامش و تمدد روحی نداشته باشیم، موجب می‌شود روح و روان آسیب ببیند؛ اینجا خانه و خانواده است که می‌آید و ما را از آن جریان پرشتاب شهری نجات می‌دهند. باید بین خانه و خانواده و شهر و کلانشهر یک میانجبی وجود داشته باشد که این ارتباط برقرار شود که در اینجا محله ضرورت پیدا می‌کند و شکل می‌گیرد. حالا هر عاملی که بتواند محله را تقویت کند، مانع آسیب‌های زندگی کلانشهری به خانه و خانواده می‌شود. می‌دانید هرچه انسان‌ها بیشتر درگیر زندگی کلانشهری باشند، در معرض آسیب‌های اجتماعی بیشتری هستند و به همین دلیل برای اینکه این جریان پرشتاب شهری به خانواده آسیب نزند، نیازمند یک میانجی‌هایی هستیم تا این شتاب را کم کنند و خانه و خانواده و افراد زیر چتر خانواده کمتر مواجهه مستقیمی با آن جریان سیال داشته باشند. در این زمان محله اهمیت پیدا می‌کند و اینجاست که نهاد هیئت که یکی از کانون‌های اصلی ارتباطی در محله است و محرم به عنوان دوره‌ای از سال که شور و انرژی و هیجان قابل توجهی برای شکل‌گیری هیئت‌ها ایجاد می‌کند، مهم می‌شود و باید به آن توجه کرد.

■ **یک مسئله نقش حاکمیت و توجه دادن حاکمیت به همین مسئله‌ای است که اشاره کردید، یعنی تقویت روضه‌های خانگی و روضه در کوچه و مانند آن. بالاخره حاکمیت هم دست دارد در سطح کلان ارگذاری خود را در این ایام نشان دهد. چطور باید روابط هیئت‌های محلی با خیلی کوچک را با حاکمیت تنظیم کرد که در نهایت هر دو از این معادله سود ببرند؟**

دولت چه می‌تواند بکند؟ تسهیل‌کننده باشد. اگر هیئت‌های کوچک، هیئت‌های خانگی و هیئت‌های محلی نیازی دارند هم برای خود هیئت‌ها و هم مردم این امر را آسان کنند. به هر حال هیئت‌ها وقتی در فضای عمومی حاضر می‌شوند، ممکن است مشکلاتی داشته باشند، مثلاً اختلالاتی در رفت و آمد شهروندان ایجاد شود، دولت می‌تواند با کمال احترام نظم دهد و هم حق هیئت‌ها را به رسمیت بشناسد و حضور میدانی آن‌ها را آسان نموده و هم اینکه حق تردد و رفت و آمد مردم را درست کند. دولت با نظم دادن به این حرکت‌ها و کمک کردن به تسهیل رفت و آمد شهروندان می‌تواند نقش‌آفرین باشد. حالا اگر بتوانند امکاناتی را در اختیار هیئت‌ها قرار دهد، از تهیه جا گرفته تا داربست، بنر و حتی تهیه مکان هیئت، این امر بسیار می‌تواند کمک‌کننده باشد. به نظرم دولت خیلی لازم نیست در محتوا مشارکت کند یا حضور داشته باشد، زیرساخت‌های فنی و عمرانی را فراهم کند، کفایت می‌کند.

■ **در سطح کلان‌تر و فارغ از مناسک محرم و این‌ها برای شکل گرفتن هویت‌های محله‌ای در کلانشهرها چه باید کرد؟**

برای حفظ هویت محله‌ای باید کانون‌های ارتباطی محله تقویت شوند. این کانون‌های ارتباطی محله چه هستند؟ مسجد و هیئت یک نمونه‌اش است. یارک و مدرسه و حتی وجود خود دبستان در یک محله کمک می‌کند. همین عناصر محلی حضورشان مفید است. دولت هم باید تلاش کند مثلاً در آپارتمان‌هایی که می‌سازد، محلی برای ارتباط افراد فراهم نماید.

نیم نگاه

در نشست «کشف واقعیت‌های حجاب» مطرح شد

حجاب، کارآمدی افراد در فعالیت اجتماعی را بالا می‌برد

ابوالفضل اقبالی در برنامه «کشف واقعیت‌های حجاب» فرهنگسرای اندیشه گفت: بیش از ۳۰ دستگاه فرهنگی وظیفه پیگیری موضوع حجاب را برعهده داشتند که غفلت کردند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، ویژه‌برنامه «کشف واقعیت‌های حجاب» با محوریت گفت‌وگو درباره موضوع حجاب توسط فرهنگسرای اندیشه برگزار می‌شود. این برنامه گفت‌وگومحور با حضور کارشناسان برجسته عرصه عفاف و حجاب واستادان حوزه و دانشگاه برگزار شده و تلاش دارد به شبهاتی که در این موضوع مطرح می‌شود، پاسخ دقیق و متقن علمی دهد. نخستین جلسه از این ویژه‌برنامه با حضور ابوالفضل اقبالی پژوهشگر و نویسنده کتاب «آیا اوکارگر بود؟» تشکیل شد.

اقبالی در مقدمه سخنان خود گفت: شارع مقدس از تشریع حکم حجاب و وجوب آن به دنبال حکمت‌ها و اهدافی است. از آنجاکه پروردگار متعال ویژگی‌های انسان را می‌شناخته و می‌دانسته در تمایل ذاتی به یکدیگر دارند، با حکم حجاب و قرار دادن حریم‌های دیگر بین زن و مرد می‌خواهد فضای تعاملات اجتماعی و عرصه عمومی جامعه را از امر جنسی پاک‌سازی و آن را به حریم خصوصی خانواده منتقل کند. به عبارت دیگر، اسلام برای افزایش کارآمدی افراد در فعالیت‌های اجتماعی‌شان، حریم‌هایی را میان زن و مرد قرار می‌دهد که یکی از آن‌ها حجاب است.

■ **قرار دادن حریم برای جلوگیری از مزاحمت‌هاست**

وی ادامه داد: دومین هدف، جلوگیری از ضایع شدن شأن انسانی زنان و تبدیل شدن آنان به یک کالا و ابزار در خدمت مردان است. در غرب می‌بینیم به بهانه‌های واهی مانند فعالیت‌های اجتماعی زنان، آنان به مثابه یک ابزار در خدمت بهره‌کشی هدف سرمایه‌داری مردانه قرار گرفته‌اند. اسلام با این موضوع مخالف است و آن را دون شأن مقام انسانی زن می‌داند. سومین هدف نیز حفظ امنیت اخلاقی جامعه است. در طول تاریخ بارها دیده‌ایم آزارهای جنسی از سوی مردان و علیه زنان صورت می‌گرفته است. قرار دادن حریم برای زنان، تلاش برای جلوگیری از این گونه مزاحمت‌هاست. به نظرم اگر درباره این حکمت‌ها شناخت بهتری پیدا کنیم، پذیرش مقوله حجاب راحت‌تر خواهد بود.

او در پاسخ به این شبهه که حجاب با فعالیت‌های زن در اجتماع منافات دارد، گفت: برداشت اشتباه این است که مقوله حجاب و حریم‌ها را به معنای محصور بودن در چارچوب‌های اندرونی خانه می‌دانیم. این موضوع در حالی است که حجاب در رابطه زن با مردان نامحرم تشریع شده است. درحقیقت، حجاب به مثابه ارجاع باز می‌ایستد یا مشاور در اتاق نگهبان جلسه می‌گذارند و این به نظرم آسیب‌زاست. دولت باید یک جایی مثلاً نمازخانه برای آرتامان‌ها داشته باشد. خیلی کارها را می‌توان برای تقویت هویت محله‌ای انجام داد منتها گویا خیلی اراده‌ای وجود ندارد.

■ **۵۰ درصد جامعه را رها کرده‌ایم**

اقبالی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: براساس پژوهش‌ها، در موضوع رعایت حجاب سه گروه داریم؛ دسته نخست کسانی‌اند که حجاب شرعی و استانداردهای پوشش را رعایت می‌کنند. آنان حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند. ۱۰ تا ۱۵ درصد جامعه نیز به‌حجاب یا بی‌حجاب‌اند و کاملاً در تعارض با استانداردهای پوشش، لباس می‌پوشند. دسته سوم که حدود ۵۰ درصد جامعه‌اند، از حجاب عرفی برخوردارند؛ یعنی نه استانداردهای شرعی حجاب را دارند و نه به‌حجاب‌اند. این افراد مردد‌ند؛ به اصل حجاب قائل‌اند اما پوشش کامل شرعی را قبول ندارند.

وی تأکید کرد: بنده معتقدم در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باید این افراد را مخاطب اصلی قرار دهیم و اگر می‌خواهیم موضوع حجاب را ساماندهی کنیم باید برای این گروه کار ترویجی، تبلیغی و فرهنگی کنیم. شاید برای این گروه، «الزام» پاسخگو نباشد، اما برای ۱۵-۱۰ درصد دیگر باید قوانین روزآمدی کنند.

او با دروغ خواندن تفاسیر ارائه‌شده از سوی رسانه‌های غربی درباره مسائل جنسی گفت: رسانه‌های غربی این‌گونه القامی‌کنند که در غرب هیچ محدودیتی وجود ندارد و از نظر روابط زن و مرد نیز هیچ کس نسبت به دیگری حریص نیست و تجاوزی رخ نمی‌دهد؛ چنین تصویری که از جامعه غربی داریم واقعیت ندارد، چرا که در گزارش‌های آماری که خودشان منتشر می‌کنند، آمار تعرض مردان به زنان بسیار بالاست. باید پرسید اگر برداشتن حریم‌ها سبب چشم‌ودل سیری مردان و زنان می‌شود، این آمارها از کجا می‌آید؟ به نظر می‌رسد درزمینه غریزه انسانی و ماهیت طبیعی آن، اشتباه محاسباتی داشته‌ایم و فراموش کردیم این غریزه سیری ناپذیر است. اقبالی در بخش پایانی سخنان خود به اهمیت خانواده اشاره کرد و گفت: نقش تربیتی خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل در موضوع حجاب است. به نظر می‌رسد ناخواسته در دل یک شکاف اجتماعی و نسلی قرار داریم و کارکردهای تربیتی تربیتی خانواده را گرفتیم و عوامل دیگری مانند رسانه، آموزش و پرورش و... را به جایش نشاندیم. مشخص است خروجی چنین نظامی متفاوت با نسل‌های گذشته است. بنده معتقدم اگر کارکردهای تربیتی را به خانواده برگردانیم، به این مشکلات برنمی‌خوریم.

وی تأکید کرد: سؤالی مطرح می‌شود که حجاب امر فردی و شخصی است و چرا حاکمیت باید در این زمینه مداخله کرده و قانون بگذارد؟ در پاسخ باید گفت: درست است که حجاب رفتار فردی است، اما پوشش هر کس دلالت‌ها و تبعات اجتماعی دارد. در حقیقت، نوع پوشش هر فرد تأثیراتی را در طرف مقابل او می‌گذارد و از این نظر، موضوع کاملاً فردی و شخصی نیست.

برش گفت‌وگو

عناصر هویت‌ساز محله

برای حفظ هویت محله‌ای باید کانون‌های ارتباطی محله تقویت شوند. این کانون‌های ارتباطی محله چه هستند؟ مسجد و هیئت یک نمونه‌اش است. پارک و مدرسه و حتی وجود خود دبستان در یک محله کمک می‌کند. همین عناصر محلی حضورشان مفید است. دولت هم باید تلاش کند مثلاً در آپارتمان‌هایی که می‌سازد، محلی برای ارتباط افراد فراهم نماید.

تازه منتشر شد

«استانبولچی» منتشر شد

کتاب «استانبولچی» نوشته معصومه صفایی‌راد توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، «استانبولچی» نوشته معصومه صفایی‌راد شامل یک‌سفرنامه محرمی به‌تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شده است.

صفایی‌راد پیش از این در کتابی با عنوان «به صرف قهوه و پینا» حاصل تجربیاتش از سفر به کشور بوسنی را جمع‌آوری کرده بود که توسط همین ناشر منتشر شده بود.

او در این کتاب تجربیات خود و همسرش را از حضور در شهر استانبول در دهه نخست محرم، به مخاطبان عرضه می‌کند. در این ۱۰ روز صفایی‌راد و شفیعی که عکاس است و اتفاقاً عکس‌های کتاب هم توسط او گرفته شده، به اماکن مختلف در استانبول سر زدند و در مدارای‌های مردم استانبول که با سبک و سیاقی متفاوت انجام می‌شود، شرکت کرده‌اند.

زبان ساده و روان کتاب، سرک کشیدن این دو مسافر به اماکن تاریخی و مذهبی شهر استانبول، بازگویی جزئیات و ترجمه فارسی اشعار ترکی که در در و دیوار استانبول درج شده از ویژگی‌های برجسته کتاب است که به پرسش‌های مخاطب کنجکاو ایرانی پاسخ می‌دهد.

کتاب شامل این فصل‌هاست: دوحسین‌چی در استانبول، ولی افتاد مشکل‌ها، دیدار در گالاتا، معصومیت اشیا، شهر شب‌ها، من ترک هستم، شهر گنبدها، حریم سلطان، حضرت شهریار، وزن باید شبیه استانبول باشد و گوله گوله استانبول.

نویسنده در بخشی از متن اثر با اشاره به دلیل نام‌گذاری کتاب نوشته است:

«دهخدا: چی (ترکی، پسوند) در ترکی پسوند نسبت شغل است و دارنده و متصدی معنی می‌دهد. چون در آخر کلمه درآید به معنی «گر» و «کار» فارسی باشد... ترک‌ها قشنگ واژه وی سازند. به کسی که سر و کارش با حسین فاطمه باشد، می‌گویند «حسین‌چی». این خط‌ها اولین تجربه دو حسین‌چی در سفر است و تلاششان برای استانبولچی بودن. صرفاً تلاششان!»

گزارش تصویری

حال و هوای عاشورایی کربلا
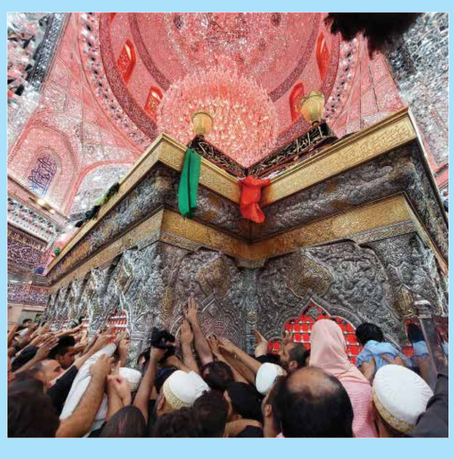
عکس: وحید بیات